

The Impact of Al-Aqsa Storm on Israel-Saudi Arabia Relations

Mohammad shiravand ¹

Hassan Khodaverdi ²

Abstrac

With the Al-Aqsa Storm operation, a large-scale attack launched by Palestinian groups against Israel in October 2023, profound impacts were made on the relations between Israel and Arab countries. While Saudi Arabia is recognized as one of the key players in the region, this event led to shifts in its regional policies and diplomatic relations with Israel. Saudi Arabia, which had previously maintained covert security and economic ties with Israel, began to feel both internal and international pressures to adopt clearer stances towards Israel after the Al-Aqsa Storm. This study examines how the Al-Aqsa Storm led to a reassessment of Saudi policies, particularly in terms of political and economic interactions with Israel. Additionally, it analyzes how this attack may influence the process of normalizing relations between Arab countries and Israel and how it might alter the balance of power in the region. The article employs a descriptive-analytical approach and is based on library-based documentation.

Keywords: Al-Aqsa Storm, normalization, balance of power, Israel, Saudi Arabia.

¹ Master's degree in Middle Eastern and North African Studies, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. **Mshiravan36@gmail.com**

² Faculty member, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.

Hakhodaverdi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰ | تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

Knowledge of political interpretation

دانش تفسیر سیاسی

Vol 6, No 20, Spring 2024

سال ششم، شماره بیستم، تابستان ۱۴۰۳

ppt 114-134

صفحات ۱۳۴-۱۱۴

تأثیر طوفان الاقصی در روابط اسرائیل و عربستان

محمد شیرواند^۱

دکتر حسن خداوردی^۲

چکیده

با عملیات طوفان الاقصی، حمله گسترده‌ای که در اکتبر ۲۰۲۳ توسط گروه‌های فلسطینی به اسرائیل صورت گرفت و تأثیرات ژرفی بر روابط اسرائیل و کشورهای عربی برجای گذاشت. در حالی که عربستان سعودی به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی در منطقه شناخته می‌شود، این رویداد باعث تغییراتی در سیاست‌های منطقه‌ای و روابط دیپلماتیک آن با اسرائیل گردید. عربستان سعودی که تا پیش از این روابط مخفیانه‌ای با اسرائیل در زمینه‌های امنیتی و اقتصادی داشت، با وقوع طوفان الاقصی، فشارهای داخلی و بین‌المللی را برای اتخاذ مواضع مشخص‌تر در قبال اسرائیل احساس کرد. این پژوهش بررسی می‌کند که چگونه طوفان الاقصی باعث تجدیدنظر در سیاست‌های عربستان سعودی و به‌ویژه در زمینه‌های تعاملات سیاسی و اقتصادی با اسرائیل شده است؟ همچنین، تحلیل می‌کند که این حمله چه تأثیری بر روند عادی‌سازی روابط میان کشورهای عربی و اسرائیل خواهد داشته و چگونه ممکن است توازن قدرت در منطقه تغییر یابد؟ مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: طوفان الاقصی، عادی‌سازی، توازن قوا، اسرائیل، عربستان

^۱ کارشناس ارشد، مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشگاه آزاد واحد تهران-جنوب، تهران، ایران. (نویسنده

Mshiravan36@gmail.com

مسئول)

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد تهران-جنوب، تهران، ایران.

مقدمه

عملیات طوفان الاقصی که در تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به وقوع پیوست، یکی از مهم‌ترین تحولات اخیر در نزاع فلسطینی-اسرائیلی و همچنین در عرصه سیاست‌های منطقه‌ای خاورمیانه به شمار می‌رود. این عملیات که توسط گروه‌های فلسطینی و به‌ویژه جنبش حماس علیه اسرائیل انجام شد، نشان‌دهنده تغییرات اساسی در شیوه مقابله با اسرائیل و نوع واکنش‌های گروه‌های مختلف منطقه‌ای است. هرچند که عملیات نظامی علیه اسرائیل پیشینه‌ای طولانی دارد، اما شدت و گستردگی این حمله و تأثیر آن بر امنیت داخلی اسرائیل و واکنش‌های بین‌المللی، این عملیات را به یک نقطه عطف در تاریخ این منازعه تبدیل کرده است. در این میان، روابط اسرائیل با کشورهای عربی، به‌ویژه عربستان سعودی، یکی از محورهای مهم تحلیل تحولات این دوره به شمار می‌آید. عربستان سعودی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین کشورهای عربی، در سال‌های اخیر روندی از عادی‌سازی روابط با اسرائیل را تجربه کرده بود، هرچند که این روند همچنان در سایه مسائل مختلفی مانند مسئله فلسطین و ملاحظات داخلی قرار داشت.

عملیات طوفان الاقصی می‌تواند پیامدهای جدی برای این روند و همچنین موازنه قوا در منطقه داشته باشد. این مقاله به بررسی تأثیرات طوفان الاقصی بر روابط اسرائیل و عربستان سعودی پرداخته و سعی دارد تحلیل کند که چگونه این حمله می‌تواند بر سیاست‌های آینده عربستان در قبال اسرائیل و جایگاه آن در میان کشورهای عربی و اسلامی تأثیر بگذارد. همچنین، پیامدهای این رویداد برای تحولات آتی در منطقه و تغییرات ممکن در روابط دیپلماتیک و امنیتی میان اسرائیل و کشورهای عربی، به‌ویژه عربستان سعودی، بررسی خواهد شد. این پژوهش بررسی می‌کند که چگونه طوفان الاقصی باعث تجدیدنظر در سیاست‌های عربستان سعودی و به‌ویژه در زمینه‌های تعاملات سیاسی و اقتصادی با اسرائیل شده است؟ همچنین، تحلیل می‌کند که این حمله چه تأثیری بر روند عادی‌سازی روابط میان کشورهای عربی و اسرائیل خواهد داشت و چگونه ممکن است توازن قدرت

در منطقه تغییر یابد؟ این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام خواهد شد. داده‌های موردنیاز از منابع مختلف شامل مقالات علمی، گزارش‌های خبری و تحلیل‌های سیاسی جمع‌آوری و موردبررسی قرار خواهند گرفت.

چارچوب نظری

موازنه و تعادل قدرت^۱ از جمله مفاهیم اساسی در بسیاری از علوم است. نظریه‌پردازان درباره واقعیت اجتماعی بین‌المللی مفهوم توازن را به‌عنوان مفهوم سازمان دهنده اصلی در خصوص مناسبات قدرت میان دولت‌های ملی به‌استخدام می‌گیرند. مفروض آن‌ها این است که دولت‌ها تقریباً به سائقه قانون طبیعت خویش، خواستار تضمین امنیت خود از طریق برقراری نوعی توازن قدرت هستند (طیب و بزرگی، ۱۳۹۶: ۴۹). توازن قدرت به منزله یک وضعیت یا نوعی شرایط، متضمن ترتیباتی عینی است که در آن، رضایت خاطر نسبتاً گسترده‌ای از نحوه توزیع قدرت وجود و دولت‌ها بی‌دلیل نگران امنیت خود نیستند. گرایش یا قانون جهان‌شمول حکمی از این احتمال است و فرد را قادر به پیش‌بینی این امر می‌سازد که اعضای یک نظام در مواجهه با خطر سریر آوردن یک برهم زننده توازن - یعنی قدرتی که ظاهراً مصمم به برقرار ساختن استیلای خود در سطح بین‌المللی است - دست به تشکیل ائتلافی متوازن کننده خواهد زد.

توازن قدرت به‌عنوان راهنمای سیاست‌گذاری به دولتمردانی که عاقلانه رفتار می‌کنند توجه می‌کند هشیاری خویش را از دست ندهند و برای سازمان دادن ائتلافی متوازن کننده در برابر برهم زننده تعادل آماده باشند. توازن قدرت به‌مانند یک نظام، اشاره به جامعه‌ای از چندین کشور دارد که در آن همه بازیگران اصلی، هویت، تمامیت و استقلال خود را از طریق فرایند ایجاد توازن حفظ می‌کنند (Huus, 1953: 370). هنری کسینجر توازن قدرت را سازوکار خودکار بلکه یکی از دو نتیجه ممکن برای وضعیتی می‌داند که در آن،

¹ Balance Of Power

دولت‌ها ناچار از سروکله داشتن باهم باشند. یک دولت می‌تواند چنان نیرومند شود که بر دیگران سلطه یابد یا آنکه ترکیبی از دیگر اعضای جامعه بین‌المللی و به دیگر سخن، عملکرد توازن قدرت که رهبران دوران‌دیش آن را برمی‌گزینند، جلوه‌فروشی‌های تجاوزکارترین عضو را مهار و محدود کند (Kissinger, 1994: 20).

در مفروض‌های نظریه موازنه قدرت بیان می‌شود زمانی که دولت‌ها و حاکمان آن‌ها با فرهنگ، عرف‌ها و روابط شخصی مشترک با یکدیگر پیوند و همکاری دارند، اهداف و ابزار رقابت بر سر قدرت محدود است. در این زمینه، موازنه قدرت احتمالاً مانع از وقوع برخی جنگ‌ها شده و از شدت برخی دیگر می‌کاهد. در صورت فقدان اجماع و همکاری و توافق‌نامه، توانمندی نظامی و برقراری اتحاد، امنیت را تضمین نمی‌کنند و امکان دارد باعث وقوع جنگ‌هایی شوند درحالی‌که درصدد جلوگیری از وقوع آن‌ها بودند (دان، اسمیت، کورکی، ۱۳۹۴: ۱۳۱).

همچنین در مفروض‌های نظریه موازنه قوا به‌جای در نظر گرفتن تعداد قدرت‌های بزرگ برای توضیح دلایل وقوع جنگ استدلال می‌شود که متغیر توصیفی اصلی، مقدار قدرت تحت کنترل هر یک از آن‌ها است. قدرت را می‌توان کمابیش به‌طور برابر در میان قدرت‌های بزرگ توزیع کرد. گرچه نسبت قدرت در میان تمام قدرت‌های بزرگ بر حتماً برقراری صلح تأثیر دارد و نسبت اصلی بین دو دولت برخوردار از بیشترین قدرت در نظام است. در صورت وجود شکاف نابرابر، دولت شماره یک، قدرت برتر است، چراکه از قدرت بسیار بیشتر از دیگران برخوردار است. گرچه، اگر فاصله بین قدرت‌های شماره یک و دو اندک باشد، گفته می‌شود موازنه قدرت نابرابر وجود دارد، حتی اگر قدرت به‌طور برابر در میان متمم قدرت‌های بزرگ توزیع گردد (دان، اسمیت، کورکی، ۱۳۹۴: ۱۷۲).

پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که اثر مشابهی با عنوان پژوهش حاضر وجود ندارد و پژوهش‌های انجام‌شده کاملاً متفاوت است. در ادامه به بررسی پژوهش‌های مرتبط در این زمینه پرداخته می‌شود.

دشتی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به "بررسی روند عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل (۲۰۱۱ - ۲۰۲۰)" پرداختند. در این پژوهش از روش تحلیلی-تبیینی برای پاسخ‌گویی به سؤال «چرا اسرائیل و کشورهای عربی، به‌رغم اختلافات، به عادی‌سازی روابط پرداخته‌اند؟» و از منابع کتابخانه‌ای نیز برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد این دولت‌ها با توجه به وجود تهدید مشترک و منافع مشترک به عادی‌سازی روابط روی آورده‌اند؛ در واقع این اقدام آن‌ها ذیل نظریهٔ نواقع‌گرایی تبیین می‌شود. این دولت‌ها تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل داخلی، منطقه‌ای، بین‌المللی با محوریت منافع ملی و همچنین تلاش دونالد ترامپ در راستای طرح به‌اصطلاح «صلح خاورمیانه» اقدام به عادی‌سازی روابط با یکدیگر کرده‌اند و به‌منظور تأمین بهتر منافع ملی خود به سمت همکاری پیش رفته‌اند.

نصر اصفهانی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به "بررسی عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران" پرداختند. کیفی و ابزار گردآوری داده‌ها به‌صورت فیش‌برداری است، مسئله اصلی نیز با رویکرد تحلیلی-اسنادی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. برقراری پیوند نزدیک و در سطح استراتژیک میان اعراب و رژیم اشغال‌گر فلسطین، این رژیم را بیش‌ازپیش به مرزهای ایران نزدیک می‌سازد، زیرا رژیم اشغال‌گر فلسطین را قادر می‌سازد با آب‌های دریایی و سرزمینی ایران به نحو غیرمستقیم هم‌مرز شود. هم‌مرز شدن با ایران، سهولت در اقدامات دیده‌بانی، استراق‌سمع و جاسوسی اطلاعاتی است. عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم اشغال‌گر فلسطین از زوایای مختلف بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد که شامل عواملی چون

تضعیف هم‌پیمانان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، توسعه و گسترش حضور و نفوذ آمریکا در منطقه، عدم شکل‌گیری رژیم و ترتیبات امنیتی پایدار در خاورمیانه، برهم خوردن ساختار توازن قدرت و رشد گروه‌های رادیکال و افراطی در منطقه است. هدایتی شهیدانی و بابایی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان "ناپایداری‌های سیاست خارجی امارات متحده عربی؛ از قیام‌های عربی تا عادی‌سازی روابط با اسرائیل" صورت گرفت. نتایج نشان داد که انقلاب‌های عربی و تحولات بعدازآن زمینه را برای موج جدیدی از دوران گذار سیاسی در منطقه فراهم آورد امارات متحده به دلیل ساختار سیاسی محافظه‌کارانه در مقابل گذار سیاسی در منطقه قرار گرفت در این برهه زمانی این کشور سیاست خارجی متفاوتی را از زمان استقلال در پیش گرفت. ناکامی بسیاری از قیام‌های عربی منطقه را وارد بحران‌های جدیدی نمود و این امر، فرصت لازم را برای امارات فراهم کرد تا اهداف سیاسی خود را در منطقه با رویکردی تهاجمی پیگیری کند. اگرچه امارات متحده با حمایت از بازماندگان رژیم‌های سابق و احزاب ملی‌گرای سکولار، به مقابله با موج اسلام سیاسی بعد از بهار عربی پرداخت و در مقطعی هم تلاش کرد برای نفوذ منطقه‌ای خود، مسیر مستقلی از هم‌پیمانانی همچون سعودی‌ها در پیش بگیرد اما گزینش سیاست عادی‌سازی روابط با اسرائیل زمینه ناپایداری گسترده‌ای را در سیاست خارجی این کشور ایجاد کرده است.

قیمی بشنو و میرحسینی (۱۳۹۹) در پژوهشی به "بررسی پیامدهای اقتصادی-فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه خاورمیانه" مجله علوم سیاسی انجام دادند. درصدد پاسخگویی به این سؤال است که پیامدهای اقتصادی-فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه خاورمیانه از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ چیست؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اسرائیل باهدف توسعه و گسترش رشد اقتصادی در برابر کشورهای عربی، ایجاد هژمونی اقتصادی و تلاش برای صادرات گاز به اروپا، منزوی ساختن ایران در منطقه، اقدام به گسترش روابط با ترکیه نمود. از سویی دیگر، اسرائیل تلاش نمود تا از طریق رابطه با

ترکیه شوک ناشی از تغییرات فرهنگی را در منطقه خاورمیانه کاهش دهد. هویت‌سازی جدید، پذیرش هولوکاست از سوی ترکیه و عربستان سعودی، توسعه گردشگری، شکل‌گیری هویت مشترک، نهادسازی سبب کاهش هزینه‌های عادی‌سازی روابط دولت‌های عربی و اسرائیل شد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

آدمی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "اسرائیل و عربستان سعودی: عصر جدیدی از همکاری دوجانبه" صورت گرفت. نویسنده بیان کرد که گذشته تا به حال، خاورمیانه را در یک کلمه بتوان خلاصه کرد، آن کلمه «بی‌ثباتی» است. در پی تحولات و تحولات جاری در منطقه، علنی شدن روابط دو طرف در خاورمیانه بیش از سایر اتحادهای منطقه‌ای قابل توجه است: "رژیم اسرائیل و عربستان سعودی". سؤال اصلی آن است که چقدر رژیم اسرائیل و عربستان توانسته‌اند در موازنه سازی علیه ایران موفق عمل کنند؟ فرض بر این است؛ آنچه بیشتر از هر چیز دو دولت مذکور را در کنار هم نگاه داشته است، نگرانی از توافق هسته‌ای ایران و به دنبال آن، قدرت و نفوذ شیعه، کاهش حضور و نقش ایالات متحده در منطقه و بحران‌های ناشی از افراط‌گرایی و جنگ داخلی سوریه است؛ لیکن با توجه به چالش‌های موجود از جانب بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به نظر نمی‌رسد نزدیک شدن این دو دولت گامی در جهت تحکیم اتحادی متوازن در جهت انزوا و مقابله با ایران باشد. برخلاف اشتراکات موجود و عوامل سبب‌ساز در عادی‌سازی پیش‌ازپیش مناسبات مابین این دو، می‌توان بر اساس نظریه «موازنه ناقص» از رندال شوولر، بیان کرد که این دو طرف نتوانسته‌اند اتحادی قوی به‌ویژه علیه ایران، به‌عنوان دشمن مشترک خود تشکیل دهند.

عملیات طوفان الاقصی

عملیات هفت اکتبر ۲۰۲۳ م. اولین اقدام برای حمله نظامی به رژیم صهیونیستی نبوده و اقدام نظامی علیه این رژیم دارای سابقه تاریخی است؛ اما (عملیات طوفان الاقصی) به

لحاظ قدرت و پیش‌بینی‌ناپذیری برای دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی (موساد، امان و شاباک) بی‌سابقه بود. سال‌های طولانی، رژیم صهیونیستی مورد هجمه زمینی طرف مقابل قرار نگرفته بود و عمده درگیری‌ها با گروه‌های فلسطینی در حملات راکتی و موشکی خلاصه می‌شد. عملیات طوفان الاقصی تمامی این موارد را تغییر داد؛ به گونه‌ای که رژیم صهیونیستی عملاً مورد حمله زمینی نیروهای فلسطینی قرار گرفت و حتی به مدت چند روز، برخی از مناطق فلسطین اشغالی در اختیار نیروهای مقاومت فلسطینی درآمد. در این عملیات، راهبردهای نظامی رژیم صهیونیستی از جمله (جنگ تهاجمی) و (سوق دادن جنگ به سرزمین دشمن) علیه خود این رژیم به کار گرفته شد (مقومی، ۱۴۰۳: ۱۰).

آخرین زمانی که کشوری توانست به صورت آشکار و همه‌جانبه به فلسطین اشغالی حمله کند و برای مدتی (هرچند به مقدار اندک) در سرزمین‌های اشغالی حضور یابد، به (جنگ یوم - کیپور ۹ در ۱۹۷۳ م) بازمی‌گردد. در این عملیات، چند کشور عربی به رهبری مصر و سوریه توانستند وارد سرزمین‌های اشغالی شوند؛ البته در نهایت متحمل شکست شدند. این در حالی است که ظرفیت و توانایی یک گروه نظامی که به مدت ۱۷ سال تحت محاصره بوده، به هیچ‌عنوان با پتانسیل چند کشور بزرگ عربی برابری نخواهد کرد. همین امر اهمیت طوفان الاقصی و عملیات مبارزان فلسطینی را بیشتر می‌کند و جهانیان را متحیر ساخت. (کوبی مایکل) از تحلیلگران ارشد رژیم صهیونیستی در زمینه تأثیر این عملیات بیان کرد: "حمله حماس نه تنها غافلگیرکننده و در نتیجه شکست‌های عظیم اطلاعاتی و عملیاتی، بلکه دارای هزینه‌های بسیاری است که از آن چیزی که به نظر می‌رسد، فراتر است و برای سالیان متمادی در حافظه ملی اسرائیل خواهد ماند" (Michael, 2023: 2).

عملیات طوفان الاقصی را می‌توان بزرگ‌ترین، مهم‌ترین و پرثمرترین عملیات گروه‌های فلسطینی علیه رژیم صهیونیستی از زمان موجودیت این رژیم دانست که بسیاری از مقامات ارشد رژیم صهیونیستی نیز به آن اشاره و اعتراف داشتند. این عملیات به کشته شدن بیش از ۱۲۰۰ صهیونیست و اسارت نزدیک به ۲۵۰ نفر انجامیده است.

یکی از مؤلفه‌های اهمیت طوفان الاقصی، تلفات گسترده صهیونیست‌ها است که این مسئله با بررسی تلفات رژیم صهیونیستی در جنگ شش‌روزه (۱۹۶۷) {در آند نزدیک به هشت صد نفر کشته و پانزده نفر اسیر شدند} و جنگ سی‌وسه روزه (۲۰۰۶) {که ۱۲۰ نفر کشته و ۲ تن اسیر شدند} بهتر خود را نشان می‌دهد. با این حال، اهمیت عملیات طوفان الاقصی و پیامدهای آن را نمی‌توان در همین مسئله خلاصه کرد و باید از زوایای گوناگون به این موضوع نگریست؛ چراکه این عملیات علاوه بر تأثیرات منفی بر معاملات داخلی رژیم صهیونیستی و نوع کشمگری بازیگران منطقه‌ای، معماری ژئوپلیتیکی خاورمیانه و روندهای موجود منطقه‌ای را تغییر داده است که چنین امری تماماً بر امنیت ملی این رژیم تأثیر سلبی خواهد گذاشت. بر همین اساس، پژوهش حاضر خواستار (واکاوی پیامدهای عملیات طوفان الاقصی بر امنیت ملی رژیم صهیونیستی در ابعاد نظامی-امنیتی، سیاسی-اجتماعی و اقتصادی) است که در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی آن را تحت تأثیر قرار داده یا خواهد داد (مقومی، ۱۴۰۳: ۱۱). اینکه این عملیات چرا شروع شد نیاز به بازشکافی دارد.

علل آغاز عملیات طوفان الاقصی

حماس، علت آغاز جنگ و عملیات طوفان الاقصی را هتک حرمت مسجد الاقصی و ظلم به فلسطینیان در قدس و کرانه باختری عنوان کرده است. به همین دلیل، (محمد الضیف) که فرماندهی کل گردان‌های (عزالدین قسام)-شاخه نظامی جنبش حماس- را بر عهده دارد، ضمن اعلام آغاز عملیات طوفان الاقصی بیان کرد:

«این عملیات در پاسخ به تجاوزات دشمن اشغالگر در مسجد الاقصی و نیز کشیدن زنان روی زمین در حیاط این مسجد صورت می‌گیرد» (راسانه، ۲۰۲۳).

با این حال، به نظر می‌رسد که اهداف حماس و گروه‌های مقاومت فراتر از این‌ها باشد. یکی از مهم‌ترین و شاید اصلی‌ترین دلیل انجام چنین عملیاتی در زمان حاضر، تبدیل مسئله

فلسطین به موضوع اول جهان اسلام و به حاشیه راندن روند عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی توسط کشورهای منطقه و به‌ویژه عربستان سعودی بوده است. به سخن دیگر، همان‌گونه که (باجاوغلی و نصر) تأکید دارند:

«هدف اصلی این جمله برهم زدن وضعیت موجود که به آرامی داشت آرمان فلسطین را به فراموشی می‌سپرد و بازگرداندن مبارزات آن‌ها به خط مقدم سیاست عرب بود» (باجاوغلی و نصر، ۲۰۲۴).

با آغاز روند عادی‌سازی کشورهای عربی در قالب (پیمان ابراهیم) از سال ۲۰۲۰ م. این انگار مطرح شد که بدون حل موضوع فلسطین می‌توان عادی‌سازی روابط بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی را محقق کرد. به همین دلیل، آرمان فلسطین بیش‌ازپیش اولویت خود را در سیاست خارجی برخی کشورهای منطقه و فرمانطقه‌ای از دست داد. بر همین اساس، حماس و گروه‌های مقاومت فلسطین با این ادراک که روند عادی‌سازی سرعت بسیاری گرفته و ایستگاه عربستان رسیده است، با طراحی چنین عملیاتی در ابعاد گسترده و مؤثر، به دنبال حاشیه راندن روند عادی‌سازی و حتی مقابله با آن بودند. (مقومی، ۱۴۰۳: ۲۰). با این وجود، افزایش مراودات عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی (سفر رسمی وزرای اسرائیل به عربستان)، مصاحبه اخیر بن سلمان با (شبکه فاکس نیوز) در خصوص عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی (ویسرت، ۲۰۲۳) و همچنین اخباری مبنی بر اینکه تا بهار ۲۰۲۴ م. روابط عادی خواهد شد (رویترز، ۲۰۲۳)، نکاتی است که می‌توان در چرایی عملیات طوفان الاقصی به آن توجه کرد.

با توجه به چنین امری، مطرح شدن پروژه‌های کریدوری و تشکیل نظم نوینی در غرب آسیا با مشارکت محوری رژیم صهیونیستی نیز حماس و دیگر گروه‌های مقاومت را به این نتیجه رساند که عادی‌سازی روابط عربستان با رژیم اسرائیل، شبیه به عادی‌سازی امارات با رژیم صهیونیستی نخواهد بود و به ثمر رسیدن آن می‌تواند پیامدهای بسیار گسترده و عمیقی بر

آینده فلسطین و منطقه داشته باشد و آزادی عمل آنان را محدودتر نماید. البته دلایل دیگری برای آغاز جنگ وجود داشت که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

- افزایش اقدامات تهاجمی رژیم صهیونیستی و ایالات متحده در غرب آسیا
- لزوم توقف اقدامات مشترک اسرائیل و آمریکا در غرب آسیا

حمایت از کرانه باختری در عصری که تشکیلات خودگردان فلسطین دوران افول خود را طی می‌کند. در کنار زمینه‌های فوق، مباحثی مبنی بر اینکه رژیم صهیونیستی مترصد حمله به حماس بودند و این اقدام به‌نوعی (پیش‌دستانه) بوده است؛ همچنین ظلم فزاینده صهیونیست‌ها به فلسطینیان در کرانه باختری و قدس که در کابینه افراطی (بنیامین نتانیا‌هو) به اوج خود رسیده بود و به‌عنوان زمینه‌های شکل‌گیری این عملیات نظامی مطرح است. (مقومی، ۱۴۰۳: ۲۱). اینک نیاز هست تا بدانیم که این عملیات چه پیامدهایی برای طرفین درگیری و منطقه و به‌خصوص طرح عادی‌سازی روابط اسرائیل و عربستان دارد.

پیامدهای طوفان الاقصی بر امنیت ملی رژیم صهیونیستی

طوفان الاقصی بزرگ‌ترین شکست رژیم صهیونیستی در چند دهه اخیر و حتی از زمان تشکیل دولت یهود در سال ۱۹۴۸ م. بوده است. این جنگ پیامدهای بسیاری برای رژیم صهیونیستی و منطقه خواهد داشت؛ به‌گونه‌ای که برخی از تحلیلگران، منطقه خاورمیانه را به قبل و بعد از ۷ اکتبر تقسیم کرده و معتقد هستند طوفان الاقصی به (نوسازی معادلات خاورمیانه) منجر شده است (فانتاپی و نصر، ۲۰۲۳).

روندهای منطقه‌ای که تا پیش از هفت اکتبر به سمت نظم شبکه‌ای به محوریت ایالات متحده و با اولویت مباحث ژئواکونومیک در قالب کریدورها و طرح‌های توسعه‌ای پیش می‌رفت و رژیم صهیونیستی با پیگیری پروژه عادی‌سازی در پی نقش آفرینی محوری در معماری امنیتی غرب آسیا بود، با عملیات طوفان الاقصی دگرگون شد و مباحث امنیتی از نوع سخت آنکه تا پیش‌ازین در جامعه اسرائیل کم‌رنگ شده بود، مجدداً اهمیت

بسیاری در مناسبات داخلی و خارجی این رژیم صهیونیستی بیان کرد: (این حمله قابل مقایسه با پرل هاربر است و بعد تر آن همه چیز در اسرائیل تغییر خواهد کرد) (برلینگر، ۲۰۲۳). با این اوصاف می‌توان پیامدهای طوفان الاقصی بر امنیت ملی رژیم صهیونیستی را در ابعاد نظامی-امنیتی، سیاسی-اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی قرار داد.

ناامنی روانی جامعه

تهدیدهای نظامی یکی از مهم‌ترین منبع نگرانی دولت‌ها برای تأمین امنیت ملی خود است. این تهدید می‌تواند تمام اجزای یک دولت را با خطری جدی مواجه کند. بدون توجه به میزان قدرت دولت‌ها هزینه‌های سنگین انسانی و اقتصادی تهدیدهای نظامی همچنان به قدرت خود باقی‌مانده است (BUZAN, 2011: 141-14). به‌عنوان مثال، ابعاد گسترده عملیات ۷ اکتبر احساس ناامنی را در میان شهرک‌نشینان تشدید کرد و آن‌ها را بار دیگر در بحبوحه بحران‌های وجودی قرار داده است. دیدگاه و رویکرد شکست‌ناپذیری ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی مؤثر، همراه با ده‌ها تلاش تبلیغاتی برای امنیت روانی جامعه با شکست قابل توجهی مواجه شده است که این مهم باعث شد مردم در این منطقه با هراس و عدم امنیت روبه‌رو شوند. یکی از مهم‌ترین مباحثی که باعث ناامنی جامعه رژیم صهیونیستی در بحبوحه این درگیری شده است، موضوع گروگان‌گیری است؛ بنابراین با وجود تجمع هزاران معترض در تل‌آویو برای آزادی گروگان‌های حماس، تنها ۱۰ درصد از یهودیان در نظرسنجی موسسه دموکراسی رژیم اشغالگر قدس موافقت کردند که از تشدید درگیری‌ها برای فشار بر حماس و به‌منظور تبادل گروگان‌ها حمایت می‌کنند. در همین حال ۳ و ۴۴ درصد کثرت یهودیان، گفته‌اند که از دولت می‌خواهند که فوراً بدون توقف درگیری، درباره گروگان‌ها مذاکره کند و امنیت روانی را به جامعه برگرداند (Ansari, ۲۰۲۴: ۹-۱).

بسیاری از مردم خانه‌های خود را با بدون کمترین وسیله رفاهی و گاهی اوقات حتی فقط با لباس خوابشان ترک کردند. ده‌ها هزار نفر در هتل‌هایی زندگی می‌کنند که با هزینه‌های دولتی تهیه شده است، اما آمار بیش از هر چیزی است که توسط رسانه‌های وابسته به رژیم بیان می‌کنند؛ چراکه حدود ۷۵۰۰۰ نفر برای تأمین امنیت خود و خانواده توسط دولت ره‌اشده‌اند و باعث تشدید عدم امنیت روانی و رفاهی شده است (Strawson, 2023: 7). به‌غیراز این، این عملیات دارای پیامدهای نظامی برای اسرائیل بوده است که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

استرس نظامیان

بعد از طوفان الاقصی نیروهای نظامی تلاویو به عمق قدرت و نفوذ زمینی نیروهای حماس در غزه پی بردند و به این مسئله توجه ویژه‌ای تا به حال داشته که حماس تغییرات قابل ملاحظه‌ای از نظر تاکتیکی و راهبردی داشته که قدرت درگیر شدن با آن‌ها را کاهش داده است. به همین منظور نگرانی‌ها در محافل مختلف نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی بابت این است که در کنار تلفات گسترده‌ای که از زمان آغاز عملیات طوفان الاقصی و به‌تازگی در عملیات زمینی علیه نوار غزه به نیروهای ارتش این رژیم وارد شده و همین‌طور خسارت‌هایی که این ارتش در جبهه شمالی (با حزب الله لبنان) متحمل شده، هیچ پیروزی محقق نشود؛ و نظامیان رژیم صهیونیستی از این بعد با استرس و وحشت زیادی مواجه هستند (Seibt, 2023: 8).

به گفته فرمانده نظامی تلاویو یعنی رابرت گالانت، عملیات طوفان الاقصی آن قدر برای نظامیان صهیونیست سهمگین بوده که روزانه عبری زبان یدیعت آحارونوت اعتراف کرده که حماس در حمله هفتم اکتبر فقط (رژیم) فقط سازمان‌های امنیتی رژیم اشغالگر قدس را غافلگیر نکرد، بلکه در زمینه دفاعی نیز غافلگیر کرده است، نظامیان درگیر با حماس ناامنی موجود را شکست سیاست‌های دفاعی رژیم صهیونیستی قلمداد می‌کنند؛ چراکه سه

فرمانده شامل سرلشکر (اساو حمامی) فرمانده تیپ جنوبی لشکر غزه در ارتش رژیم صهیونیستی، سرهنگ (روی لیوی) فرمانده یگان چندمنظوره، سرهنگ (جاناتان اشتاینبرگ) فرمانده تیپ ناحال از مهم‌ترین فرماندهان توسط حماس کشته شده‌اند و این نشان از قدرت نظامی و اطلاعاتی حماس در جنگ با رژیم است. این مسئله برای ارتشیان رژیم اشغالگر قدس غیرمنطقی باور بوده است که خانواده آن‌ها نیز در امنیت کامل نمی‌باشند (kusovac, 2023: 2-5).

ناامنی فرودگاه‌ها

بعد از عملیات طوفان الاقصی، بسیاری از خطوط هوایی بین‌المللی که از خطوط هوایی رژیم صهیونیستی عبور می‌کنند با ناامنی قابل توجهی مواجه شده‌اند، از جمله ایر صربستان، شرکت هواپیمایی ترکی پگاسوس، بلغارستان ایر، شرکن هواپیمایی چک اسمارت‌وینگز و شرکت هواپیمایی پرچم ازبکستان ایرویز، همگی پروازهای بین‌المللی در فرودگاه بن گورین تل‌آویو که قبل از این تنش‌ها با رژیم صهیونیستی همکاری داشتند مسائل امنیتی را با دقت بیش از هر زمان دیگر مورد توجه قرار داده و میزان پروازهای خود را به حداقل ممکن رسانده‌اند (Military, 2023: 9-20).

طوفان الاقصی در نتیجه نقض حقوق اولیه مردم فلسطین توسط تلاویو در ادوار گذشته ایجاد شده است که این رژیم تا به حال مناطق وسیعی از سرزمین فلسطین را به وسیله شهرک‌سازی‌های بی‌رویه به خود متصل کرده و ساکنین آن را اخراج نموده است. بحران ایجاد شده توسط رژیم صهیونیستی باعث برهم خوردن نظم امنیتی و سیاسی منطقه، مشکلات اقتصادی و تجاری در منطقه، شده است؛ که باعث می‌شود فرضیه حاضر را تأیید کند. تلاویو قبل از شروع این درگیری همه‌جانبه با حماس با سرمایه‌گذاری‌های زیادی که در خاورمیانه انجام داده بود تلاش داشت و نیز دارد که محور مقاومت که مهم‌ترین کشورهای تولیدکننده انرژی منطقه به شمار می‌روند را به حاشیه بکشاند تا از این طریق هم

میزان تأثیرات تحریم اقتصادی که علیه ایران به‌عنوان رهبر محور مقاومت را افزایش دهد و هم خود را به‌عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در سطح بین‌المللی و مذاکرات هسته‌ای که با تهران در حال جریان بود معرفی نماید؛ اما با تضعیف و دور زدن سرویس‌های اطلاعاتی توسط حماس و نیروهای حزب‌الله لبنان و شکست‌هایی که در این درگیری به تلاویو وارد شد، نه تنها نمی‌تواند یک بازیگر فعال باشد، بلکه یک رژیم مخمل امنیت که مشروعیت سیاسی آمریکا حامی اصلی خود را به شکل قابل‌توجهی زیر سؤال برده است و اما با انجام عملیات طوفان الاقصی این رژیم مهم‌ترین مأموریت خود را حفظ بقاء در منطقه می‌داند که از آن و کمک‌های غرب به تلاویو این موضوع قابل‌مشاهده است. (رکابیان و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۳۶).

تأثیر طوفان الاقصی در روابط اسرائیل و عربستان

طوفان الاقصی که از تاریخ ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد، یکی از بزرگ‌ترین تحولات منطقه‌ای در خاورمیانه طی سال‌های اخیر است. این عملیات که از سوی گروه حماس علیه اسرائیل انجام شد، نه تنها به جنگ و خشونت منجر گردید، بلکه تأثیرات گسترده‌ای بر روابط کشورهای منطقه داشت. یکی از مهم‌ترین کشورهای تحت تأثیر این تحولات، عربستان سعودی بود. در این مطلب، به تحلیل تأثیرات این بحران بر روابط اسرائیل و عربستان سعودی خواهیم پرداخت.

۱. تشدید تنش‌ها و افزایش ناراضی‌های عمومی

پس از آغاز عملیات طوفان الاقصی، موجی از ناراضی‌های عمومی در سراسر جهان عرب و به‌ویژه در عربستان سعودی به وجود آمد. بسیاری از شهروندان عربستانی و شخصیت‌های سیاسی این کشور، از رفتار اسرائیل در قبال فلسطینی‌ها و شرایط غزه به شدت انتقاد کردند. این امر فشارهای داخلی را بر دولت عربستان افزایش داد و موجب شد تا روابط پنهانی و

تدریجی که در سال‌های اخیر میان عربستان و اسرائیل در حال شکل‌گیری بود، با چالش‌های جدیدی روبرو شود.

۲. تأثیر بر روند عادی‌سازی روابط

در سال‌های اخیر، عربستان سعودی تحت رهبری محمد بن سلمان به تدریج مسیر عادی‌سازی روابط با اسرائیل را آغاز کرده بود، به‌ویژه پس از توافقات آبراهام که برخی کشورهای عربی نظیر امارات متحده عربی و بحرین روابط خود را با اسرائیل برقرار کردند. عربستان سعودی به‌عنوان قدرت منطقه‌ای بزرگ، به‌نوعی بازیگری کلیدی در این روند بود و برخی تحلیلگران معتقد بودند که این کشور به‌زودی به‌عنوان آخرین کشور بزرگ عربی، روابط خود را با اسرائیل عادی‌سازی خواهد کرد؛ اما پس از شروع طوفان الاقصی، عربستان سعودی در عمل از این روند عقب‌نشینی کرد. فشارهای داخلی و افزایش حمایت عمومی از فلسطینی‌ها باعث شد که دولت سعودی نتواند به‌راحتی به عادی‌سازی روابط با اسرائیل ادامه دهد. باوجود آنکه عربستان همچنان به‌طور رسمی به طرح صلح عربی پایبند است و از روند مذاکرات برای حل بحران فلسطین حمایت می‌کند، اما بحران غزه و عملیات طوفان الاقصی به‌وضوح مانع از پیشرفت این روند شد.

۳. تغییرات در سیاست‌های منطقه‌ای

طوفان الاقصی همچنین بر سیاست‌های منطقه‌ای عربستان تأثیرگذار بود. این کشور که پیش‌تر سعی داشت به‌عنوان میانجی در مسائل مختلف منطقه‌ای ظاهر شود، اکنون با چالش‌های جدیدی در این زمینه روبرو است. عربستان به‌ویژه در زمینه‌های انسانی و اقتصادی توجه زیادی به بحران غزه و وضعیت فلسطینی‌ها نشان داده است و این مسئله به یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی سعودی در برابر اسرائیل تبدیل شده است. از سوی دیگر، عربستان به دلیل لزوم حفظ منافع خود در سطح جهانی و منطقه‌ای، همواره سعی کرده است که روابط خود با ایالات متحده را حفظ کند. ایالات متحده به‌عنوان متحد اصلی عربستان در منطقه، فشارهای زیادی به این کشور وارد می‌کند تا در نهایت به سمت

عادی‌سازی روابط با اسرائیل پیش برود؛ اما عربستان سعودی با توجه به حساسیت‌های داخلی و منطقه‌ای، همچنان در این زمینه احتیاط کرده است.

۴. تحولات آینده و چشم‌انداز روابط اسرائیل و عربستان

با توجه به تحولات اخیر، چشم‌انداز روابط اسرائیل و عربستان در آینده به شدت وابسته به وضعیت بحران فلسطین و تحولات میدانی خواهد بود. اگر اسرائیل نتواند به شکلی مؤثر بحران غزه را حل کند و به حقوق فلسطینی‌ها احترام بگذارد، احتمال اینکه روابط میان عربستان و اسرائیل بهبود یابد، کاهش می‌یابد. درعین حال، عربستان نیز باید توانایی خود را در حفظ تعادل میان فشارهای داخلی و خواسته‌های بین‌المللی نشان دهد.

در مجموع، طوفان الاقصی تأثیرات عمیقی بر روابط اسرائیل و عربستان گذاشته است و به نظر می‌رسد که این بحران در کوتاه‌مدت موجب کند شدن روند عادی‌سازی روابط میان دو کشور خواهد شد. اگرچه در بلندمدت همچنان امکان تحقق توافقاتی میان اسرائیل و عربستان وجود دارد، اما شرایط کنونی به‌ویژه در پی این جنگ، روند صلح و همکاری را با چالش‌های جدی روبرو کرده است.

نتیجه گیری

عملیات طوفان الاقصی در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ به وضوح نشان دهنده تحولاتی عمیق در نحوه مقابله با اسرائیل توسط گروه‌های فلسطینی و دیگر بازیگران منطقه‌ای است. این عملیات که به عنوان یک واکنش قوی به سیاست‌های اسرائیل و اشغالگری‌های آن در سرزمین‌های فلسطینی صورت گرفت، موجب افزایش تنش‌ها و بی‌ثباتی در منطقه گردید. در این زمینه، عربستان سعودی که تا پیش از این به نوعی در تلاش برای حفظ یک سیاست میانه‌روی در قبال اسرائیل بود، با توجه به فشارهای داخلی و بین‌المللی و همچنین واکنش‌های گسترده جهانی نسبت به این حمله، با چالش‌های جدیدی در زمینه سیاست خارجی و امنیتی خود روبه‌رو شد. این عملیات نشان داد که عربستان سعودی، به‌رغم تعاملات پنهان و بعضاً امنیتی خود با اسرائیل، نمی‌تواند به راحتی از مسائل فلسطینی چشم‌پوشی کند و ممکن است مجبور به تجدیدنظر در سیاست‌های خود شود. به‌ویژه در شرایطی که عربستان در تلاش برای تقویت جایگاه خود در جهان اسلام و نزد افکار عمومی عربی است، واکنش به حمله طوفان الاقصی برای آن اهمیت ویژه‌ای دارد. این رویداد می‌تواند موجب تغییراتی در روابط عربستان با کشورهای فلسطینی، جنبش‌های مقاومت و دیگر کشورهای عربی گردد. در عین حال، طوفان الاقصی فشارهای بیشتری بر روند عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و کشورهای عربی، به‌ویژه کشورهای مهم مانند عربستان سعودی، وارد کرده است. در حالی که بسیاری از کشورهای عربی به دنبال روابط اقتصادی و امنیتی با اسرائیل بوده‌اند، این عملیات ممکن است این روند را به تعویق بیندازد یا موجب تحولات جدیدی در مذاکرات برای برقراری روابط دیپلماتیک شود. در این میان، عربستان باید موازنه‌ای میان فشارهای داخلی برای حمایت از فلسطینی‌ها و نیازهای راهبردی‌اش در ارتباط با اسرائیل برقرار کند. در نهایت، تأثیرات طوفان الاقصی بر روابط اسرائیل و عربستان تنها به بلافاصله بعد از عملیات محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند بر آینده تحولات سیاسی، امنیتی و اقتصادی در خاورمیانه تأثیرگذار باشد. این رویداد ممکن است در بلندمدت بر موازنه قوا در منطقه و روابط بین کشورهای عربی و اسرائیل تأثیرات عمیقی داشته باشد.

منابع

- هدایتی شهیدانی، بابایی. (۱۴۰۰). ناپایداری‌های سیاست خارجی امارات متحده عربی؛ از قیام‌های عربی تا عادی‌سازی روابط با اسرائیل. مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱۰(۳)، ۶۳-۸۴.
- آدمی، نظیفی، عارف. (۱۳۹۸). اسرائیل و عربستان سعودی: عصر جدیدی از همکاری دوجانبه. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۷(۲۷)، ۱۹۹-۲۲۷.
- دشتی، فرزانه، ابراهیمی قره بلاغ، ساجده، مکرمی پور، لایقی قرچی، سامیار. (۱۴۰۲). بررسی روند عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل (۲۰۱۱ - ۲۰۲۰). مطالعات سیاسی بین‌النهرین، ۲(۱)، ۷۹-۱۰۳.
- رکابیان، رشید و پادروند، مهدی و عزتی، محسن (۱۴۰۳). طوفان الاقصی و تأثیر آن بر بحران امنیتی و سیاسی اسرائیل، فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام، سال ۱۱، شماره ۱(۳۲)، ۱۱۷-۱۳۹.
- قیمی بشنو، ف. میرحسینی، س. سید محسن. (۱۳۹۹). بررسی پیامدهای اقتصادی-فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه خاورمیانه. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۶(۵۱)، ۱۲۹-۱۵۳.
- مرکز راسانه (موسسه بین‌المللی مطالعات ایران) (۲۰۲۳). عملیات طوفانی الاقص: علل و پیامدها و سناریوهای احتمالی، قابل دسترسی در: <https://rasanah-iiis.org/parsi>
- مقومی، امیررضا (۱۴۰۳). واکاوی پیامدهای طوفان الاقصی بر امنیت ملی رژیم صهیونیستی، فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی، شماره ۱.
- نصر اصفهانی، محسن، رنجبر، کاظمی، احمد. (۱۴۰۱). بررسی عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۱۱(۳)، ۱۰۹-۱۳۲.

- Ansari Jaberi, H. (2024). Outcomes of Al-Aqsa Storm Operation.
- BUZAN, B. (2011). People, governments and fear. Translated by Strategic Studies.
- Kusovac, Z. (2023). Analysis: Why Israel's military wanted to end the Gaza truce, and what now. Available;<https://www.algazeera.com/news/2023/12/1/analysis-why-israels-military-wanted-to-end-the-gaza-truce-and-what-now>.
- Seibt, S. (2023). How Hamas's military strategy against Israel is evolving in southern hamas-s- -strategy- military against-israel-is-evolving-in-southern-gaza.
- Strawson, J. (2023). Gaza war: Israelis feel angry at their government and abandoned by the international community. Availablea: <http://theconversion.com/gaza-war-israelis-feei-angry-at-their-government-and-abandoned-by-the-international-community-219425>